

همیشه‌ها

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ عزت مؤمن، بی نیازی او از مردم است.

■ آذان ظهر: ۱۲:۱۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۱۴
■ آذان مغرب: ۱۹:۳۴ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۲
■ آذان صبح فردا: ۳:۲۹ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۰۸

■ پدشاهی: توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروزین
■ تلفن: ۸۴۲۳۰۰۰۰

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ابوعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فری، شماره ۱۴
■ کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۳۲۰۲۶۰۶۷، شماره: ۳۳۰۲۳۰۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سر دبیر: دانیال معمار

■ دبیر فرهنگی: امیر خداداد
■ دبیر حوادث: جواد عزیزی
■ دبیر بین الملل: حسین آرجلو
■ دبیر جامعه: عیسی محمدی
■ دبیر زیست بوم: محمد پارکانی
■ دبیر ورزش: سید زهرا عباسی
■ دبیر دانش و فناوری: محمد کرپاسی
■ دبیر ورزشی: امیر محمد یعقوب پور
■ دبیر همشهری جمع: پروانه بهرام نژاد
■ دبیر صفحه آخر: مسعود میر
■ دبیر عکس: فرشاد عباسی

کارض کربلا

عاشورا، آیینی جهانی است که شیعیان در مناطق زیادی از دنیا آن را گرامی می‌دارند و در این روز، به عشق امام حسین (ع) دور هم جمع می‌شوند و عزاداری می‌کنند؛ از آسیای جنوب شرقی گرفته تا خاورمیانه، و از اروپا گرفته تا آمریکا، سنت‌های عزاداری امام حسایی باقی‌مانده و هزاران نفر در آنها شرکت می‌کنند.

نه فقط شیعیان که مسلمانان سنی هم این روز عزیز را گرامی می‌دارند و همراه با شیعیان در این مراسم شرکت می‌کنند.

سابقه این عزاداری‌ها در کشورهای خاورمیانه و همین‌طور هند و پاکستان بیشتر است اما در دهه‌های اخیر، مهاجران شیعه‌ای که به اروپا و آمریکای شمالی رفته‌اند هم سنت عزاداری عاشورا را جا انداخته‌اند.

ما با عزاداری برای امام حسین (ع) در ایران و عراق آشناییم و چیزهای زیادی از آن شنیده‌ایم اما این سنت، در کشورهای مختلفی که حتی کفرش را هم نمی‌کنیم در جریان است. برخی از این سنت‌ها اینها هستند:

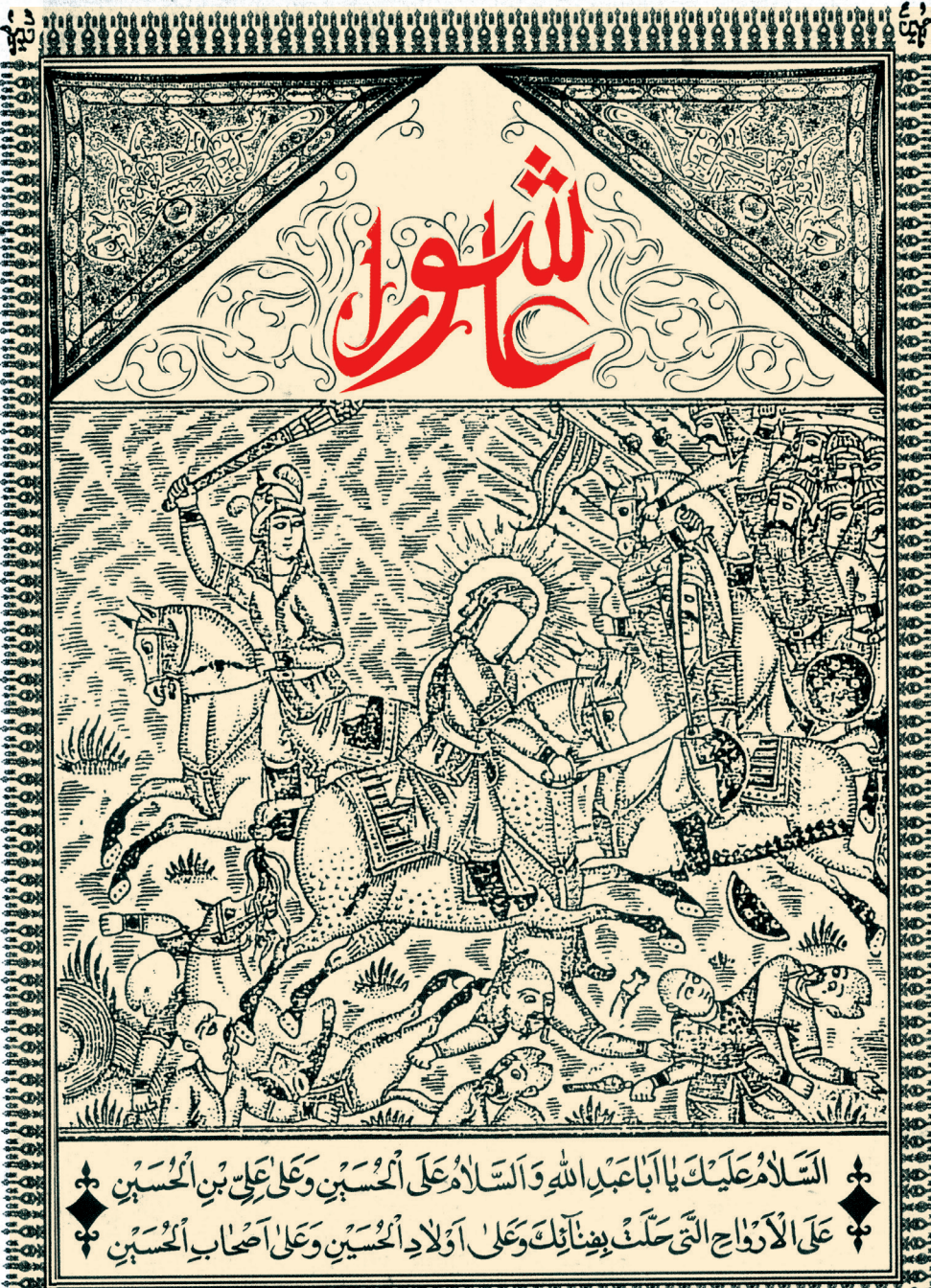
■ **بوهمه:** شیعیان در بوهمه، بیش از ۲ دهه است در ایام محرم عزاداری می‌کنند اما این سنت آنها، حتی در دنیای خود شیعه هم چندان شناخته شده نیست. شیعیان اقلیت بسیار کوچکی از ۱۰ میلیون مسلمان بوهمه هستند با این حال عزاداری محرم را با همان شور و عشق شیعیان در کشورهای مثل هند و پاکستان برگزار می‌کنند. سینه‌زنی، خواندن نوحه و گوش دادن به سخنرانی، از سنت‌های عزاداری مردم در بوهمه است.

■ **ترکیه:** ترکیه کشوری سنی‌نشین به شمار می‌رود اما عزاداری امام حسین (ع) در این کشور ریشه‌دار و البته فراگیر است. پوشیدن لباس مشکی در ۱۰ روز محرم، تجمع برای عزاداری مشترک و برگزاری نمایش‌هایی برای تصویر کشیدن نبرد کربلا، از سنت‌های محبوب شیعیان ترکیه است. نذری هم بخشی از این سنت‌هاست. در مراسم خاصی، در بزرگداشت حضرت زینب، در سال‌های اخیر رهبران این کشور هم شرکت کرده‌اند و رجب طرب اودغان، رئیس‌جمهور این کشور، به مناسبت روز عاشورا پیام هم داده است. او ۲ سال پیش در پیام آورده بود: «سرورمان حضرت حسین (ع) نوه پیامبر و سرور شهیدان و تمامی شهدای کربلا در ۱۳۸۱ مین سالگرد شهادت‌شان با احترام یاد کرده و بر آنها رحمت می‌فرستم.»

■ **انگلیس:** در انگلیس، شیعیان و مسلمانان سال‌هاست کمیته‌ای با نام روز دهم به راه انداخته‌اند و یک راهپیمایی عظیم هم در نزدیک‌ترین روز تعطیل (یکشنبه) به عاشورا در لندن و شهرهای دیگر این کشور برگزار می‌کنند. مهاجران ایرانی، عراقی، افغان، هندی، پاکستانی و دیگران دسته‌های عزاداری به راه می‌اندازند و مراسم چنان باشکوه است که توجه غیرمسلمانان را هم به‌خود جلب می‌کند.

■ **تونس:** شیعیان در تونس هم آیین‌های خاصی برای بزرگداشت عاشورا دارند. در ۱۰ روز اول محرم، شیعیان از غذاهای مفصل و رنگارنگ دوری می‌کنند و علاوه بر عزاداری‌های جمعی، به زیارت اهل قبور هم می‌روند.

■ **آمریکای شمالی:** در شهرهای زیادی در آمریکا که شیعیان در آنها ساکن هستند، جلسات روضه به زبان‌های مختلف برگزار می‌شود. در نیویورک، نزدیک‌ترین یکشنبه به عاشورا، «روز حسین» نام‌گذاری می‌شود و شیعیان در متهن، دسته‌های عزاداری به راه می‌اندازند و با پخش نذری بین غیرمسلمانان، به آنها درباره این روز و اهمیت آن توضیح می‌دهند. در کانادا هم در سال‌های اخیر پخش نذری و به راه انداختن دسته‌های عزاداری رونق زیادی گرفته است.



السَّادَةُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَالسَّادَةُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَكُلِّ عَلِيٍّ بَيْنِ الْحُسَيْنِ
عَلَى الْأَدْوَابِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَكُلِّ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَكُلِّ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

عباس بن عبدالمطلب، عموی پیغمبر را زنی بود ام‌فضل نام که در خواب دید تکه‌ای از گوشت تن رسول خدا (ص) بریده شد. ام‌فضل گفت که آن تکه در دامن من افتاد.

تعبیر آن از سید خواستم گفت نیکو دیده‌ای ام‌فضل که اگر این خواب راست شود، زود باشد که دخترم فاطمه را پسری آید که تو او را شیر دهی.

چنین شد و روزی به خدمت سید شدم و آن پسر در کنار سید نهادم؛ کودک بول کرد و قطره‌ای چمد بر پیراهن سید چکانید. مرا شرم آمد به دو انگشت کودک را نیشگون گرفتم سید گفت آرام ام‌فضل! جامه را پاک توان کرد، کودکم را رنجانیدی.

ام‌فضل برخاست که آبی بیابد تا سید پیراهن خویش تطهیر کند چون باز گشت سید را دید که می‌گریست گفت تو خود خندان بودی و چون است که حال می‌گریسی یا

رسول خدا! گفت جبرئیل فرو آمد و مرا خیر داد که این فرزند تو را مت تو بکشند. و سید چندان بود که علی بن ابی‌طالب را می‌گفت که ای علی! این دو کودک تو یعنی حسن و حسین مرا باز داشته‌اند که کسی جز ایشان دوست بدارم. و می‌گفت که حسن و حسین سید جوانان بهشت‌اند. و می‌گفت که حسین از من است و من از حسین.

زادگاه حسین مدینه بود و ولادتش به روز سوم از ماه شعبان به سال چهارم از هجرت رسول بود. و روزی فاطمه حسنین را پیش گذاشت و جبرئیل مرا خبر داد که این یک پسر من کشته شود و خوار گردای خدا! او را در این کشته شدن برکت ده‌واز کشته او برکت بردار!

و سید می‌گفت: ای مردم! اهل خانه من چون کشتی نوح‌اند پس هر که بر این کشتی نشست نجات یافت و هر که از آن روی بر تافت هلاک شد.

چون ۲ سال گذشت سید آهنگ سفر داشت، کودک دو ساله در رهگذری ایستاده جد خویش تماشا می‌کرد سید گفت که همه از آن خدایم و به سوی او باز گشت کنند.

بزرگ عاشقان کوچک

مریم ساحلی | ایستاده بود پشت پنجره‌ای کوچک به تماشای عشق. هانگشت زرین بر فراز علم و همه برهای سفید حوالی‌اش، چشم‌هایش را ۱۲ پرند مبهوت کرده بود. و سینه‌زنان نوحه‌ای را می‌خواندند که دلش را می‌لرزاند. می‌گفت در آن میانه‌ها ما را روایت عاشقی کودک‌گان، حرف دیگری است؛ حرفی که نمی‌شود گفت یا شنید. حرفی که تنها باید در نی‌نی چشم‌ها و دست‌های کوچک و صورت قشنگ‌شان دید.

عرق، شبنم نشست بر پیشانی روشن‌شان و آوای «یا حسین» نشان تا بال و پر فرشتگان می‌رود.

می‌گفت: مانده‌ام این عشق از کجا آمده است که چنین بی‌تاب‌شان می‌کند و در شبی تبار و گرم، سیاه بر تن، چنان قدم بر می‌دارند که انگار نه‌انگار هنوز ۱۰ تا بیست‌ساله را به چشم ندیده‌اند. می‌گفت: مگر آن دست‌ها که بر سینه می‌کوبند، این نوحه‌ها که از نازک‌های حنجره‌هاشان به آسمان می‌رود یا آن اشک‌ها که ساعتی پیش برای همراه شدن با بزرگ‌ترها ریخته‌اند، به غیر از عشق، چه می‌تواند باشد؟



آن دوشنبه، آن روز آذر ۱۳۵۷، همه شال و کلاه کرده بودند. شال و کلاه کرده بودند نه از سوز سرمای اواخر پاییز بلکه از جبر جبار. آنان اما با گرمایی که از شور لبریز شده بود، آمده بودند تا یکصدا بگویند که بیدادگری را نمی‌خواهند و بر نمی‌تابند. و در این میان، چنان‌که از عکس کاوه کاظمی، عکاس ایرانی از آنس عکس گتی‌ایمیج (Getty Images) در میدان ۲۴‌السنفند آن روزها (انقلاب این روزها) برمی‌آید، زنان از صحنه گردان اصلی‌اش می‌روند؛ تظاهراتی که از میدان فوزه (امام حسین کنونی) آغاز شده بود و باید به میدان شهید (زادی فعلی) ختم می‌شد. مسیری حدوداً ۱۰ کیلومتری که تازه این تصویر و انبوه جمعیت، میانه‌هایش بود. قاب‌ویژه‌صدها پشت‌سر زنان سپاه‌پوش که بفرقه‌های منقش به تصویر امام امت به دست، رو به مجسمه پهلوی شعار نخواستند دودمانش را سر می‌دهند تا به قول معلم شهید، علی شریعتی که تنها ۵۴۰ روز پیش تر در گذشته بود، «کاری زینتی» کنند. در این قاب، البته تابلوی نثونی سینما اونیورسال (پارس امروزی) در آن انتها رخ‌نمایی می‌کند و احتمالاً دود و غبار برخاسته به هوا، فضای آن را آکنده از حساسی کرده است. این همه یعنی عاشورای حسینی (ع) در همه‌از منته و امکانه، حرکت‌دهنده‌ها در تحرک آزادی خواهانه‌ای بوده است. انقلاب حضرت حسین (ع) که اگرچه در این عکس، ۱۳۳۸ سال از آن می‌گذشت، اما نشان داد اگر مردم به ستوه بیایند کشتی نجاتش، منتج می‌شود به «ولا یبقی مع الظلم».

ماتم حضرت ثارالله (ع) در سراسر قرون و اعصار برای همه جنبش‌ها حرکت بخش بوده است؛ حرکت برای رهایی از زیر یوغ استبداد و استثمار و استعمار. در سراسر تاریخ، همه آنانی که دست به اعتراض علیه ظلم ظالم می‌زدند، تحرک خود را وام‌یافته از قیام حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) می‌دانستند و به همین سبب نیز خمی به ابرو نمی‌آوردند زیرا مولا و آقاایشان را پیش چشم داشتند و نیک می‌دانستند که هر آنچه تجربه می‌کنند در برابر آنچه بر ایشان و یاران و اهل و عیالش گذشت، هیچ نیست. پس برای نیل به مقصود و منظور، ابرام و اصرار می‌ورزیدند و از پای نمی‌نشستند و استوار می‌ماندند. اینگونه هم بود که آنچه ایران در روز دوشنبه، بیستم آذر ۱۳۵۷ به‌خود دید، جهان را به تحیر واداشت. زیرا چنان موج خروشان‌ی از یگانگی مردم به‌راه‌افتاد که دیگر طومار حکومت جور در هم پیچیده و فاتحه‌اش خوانده شد. عاشورای آن سال، حکایتی دگر بود؛ حکایتی از حضور دست‌درست زن و مرد و پیر و جوان که آمده بودند تا این بیت حک شده از مثنوی مولانا در پارچه‌نوشته همین عکس را که میشل لیپشیتز (Michel Lipchitz)، عکاس فرانسوی خبر‌گزاری آسوشیتدپرس در آن روز برداشته، با مشت‌های گره کرده معنا بخشد: «این جهان زندان و ما زندانیان؛ همتی بنما و خود را وارواران».



«این شعنا» معروف بود به اینکه جنگاوری‌اش با ۱۰ هزار نفر برابر است. از آن طرف هم نوحه‌ای از سپاه علی (ع) که نقاب زده بود، بدجوری داشت شامی‌ها را قلع و قمع می‌کرد. معاویه که این وضع را دید، زود به فکر این‌شعنا افتاد. اما جناب جنگاور که کمی پیش بر خورده بود، قبول نمی‌کرد که با یک پسر بچه بجنگد. از معاویه اصرار و از او انکار. آخر سر گفت: من ۷ تا پسر دارم، یکی‌شان را می‌فرستم، نشان به آن نشان که یک پسر هیچ، هر ۷ پسر این‌شعنا پشت سر هم مغلوب شدند. این دفعه دیگر خود این‌شعنا به پیش گذاشت و شش‌وع به رجز خوانی کرد: «همه پسرانم را کشتی، به خدا پدر و مادرت را به عزایت می‌نشانم.» اما آخر این جنگ هم فرقی با قبلی‌هایش نداشت. وقتی جمع پدر جنگاور و ۷ پسرش در آن دنیا جمع

منبع: کتاب عاشورات، نوشته: امیر خاوری

غم نوشت

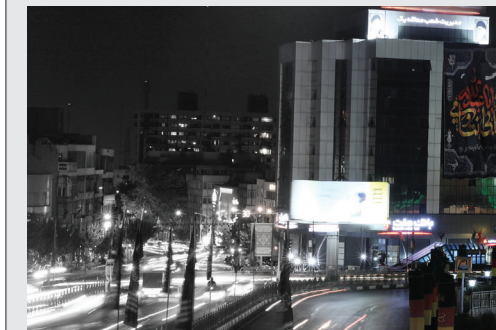
محرم حکایت سوگ‌های بی‌پایان است، حکایت کتبه‌های مشک‌ی یا لثارات زخم‌های معطر. حکایت گوشه مجلس، جای روضه، دخیل به جوب مشیر. حکایت ریشه دواندن دردی به امتداد د خون گلوئی اصغر...

خون حسین (ع) در بستر زمان می‌جوشد و عزای حسینی در امتداد تاریخ جریان دارد، چه زمانی که عزاداری‌ها در خیابان‌ها برگزار می‌شود و چه زمانی که مردم در خانه‌هایشان بر **سیدالشهدا (ع)** اشک ماتم می‌ریزند.

حالا شهر رنگ و بوی حسینی گرفته و در هر گوشه‌ای، جماعتی ایستاده‌اند و روایت غریب کربلا و عاشورا را می‌بینند. تعز به‌خون‌ها کم نمی‌گذارند، صدای روضه‌شهر را برداشته جماعت گریه می‌کنند. اینجاست **سیدالشهدا (ع)** صاحب مجلس است. صاحب عزای زهاگریه می‌کنند. درها گریه می‌کنند. دیوارها گریه می‌کنند و تونیز برای حسین (ع) گریه کن، تنها برای زخم‌های معطر حسین (ع).



عکس: همشهری / امیر پناهیور



عکس: همشهری / امجن صیادی